



• درآمد

«سید قاسم یاحینی» نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر، در زمینه کاری خودش آدمی شناخته شده است. او همچنین در زمینه قیام جنوب و شهید رئیسه‌علی دلواری کارهای زیادی را تهیه و منتشر کرده که از جمله آنها میتوان «رئیسه‌علی دلواری» و «ظهور و سقوط خاندان تنگستانی» را نام برد. در این گفت و گو، نقش تنگستانی‌ها، رئیسه‌علی و اسناد و پژوهشهای موجود درباره قیام جنوب و نیز خلأهای مربوط به این مقوله را از زبان یاحینی می‌خوانید:

■ گفت و شنود شاهد یاران با سید قاسم یاحینی، پژوهشگر تاریخ و نویسنده

رئیسه‌علی؛ حماسه یک نهنگ در آب باریکه...

ایرانی‌ها که چیزی به نام آرشیو نداریم. کنسولگری انگلستان در منطقه موظف بود چند نوع گزارش تهیه کند. این گزارش‌های روزانه، هفتگی، ماهانه و سالیانه مشحون از اطلاعات ریز و درشت منطقه‌ای است که در هیچ یک از منابع دیگر یافت نمی‌شود، به طوری که ما را به شکل بسیار انحصاری و در عین حال خطرناک به این گزارش‌های بعضاً جهتدار متکی می‌کند، چون در راستای منافع انگلستان تولید شده‌اند. زمانی از طریق یکی از دوستان آرشیوهای لندن را بررسی کردیم؛ بیش از دو هزار سند درباره تنگستانی‌ها بایگانی شده بود.

چه مقدار از این اسناد درباره رئیس‌علی بود؟ حدود چهارصد سند که هنوز هیچکدام از آن‌ها به فارسی ترجمه نشده است.

از آن اسناد چیزی در اختیار دارید؟

خیر، چون برای هر کدام از آن‌ها باید چهار تا پنج پوند هزینه پرداخت میکردم که چنین پولی در جیب‌های بنده موجود نیست.

هیچ متولی هم وجود ندارد؟

بحمدالله خیر.

پس این همه کنگره که درباره رئیس تشکیل شده و تندیس‌ها که ساخته‌اند برای چیست؟

به هر حال باید پول هتل بدهند، آب و ساندریس تهیه کنند، پول هواپیما بدهند، مقداری هم پورسانت بگیرند یا نه؟ به تعبیر عوام باید بگویم این کنگره‌ها همان آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی هستند. بسیار متأسفم که بگویم ۹۹ درصد این پول‌ها به جای این که برای تولید کتاب، سند و ... صرف شود، برای چیزهای نا به جا هزینه می‌شود.

پس خودتان آستین را بالا زدید!

من همیشه این شعر شفیعی کدکنی را از دوران کودکی، آویزه گوشم داشتم: نفسم گرفت از این شب، / در این حصار بشکن

آن چاپ شده است. دو جلد باقی مانده نیز به پایان کارهای مطالعاتی و نوشتاری رسیده و اگر فرصتی حاصل شود، دو سه ماه وقت می‌برد تا آماده چاپ شوند. جلد اول که انتشارات گلگشت سال ۱۳۸۷ منتشر کرد، مطالعاتی درباره تنگستان است؛ یک کار دائره‌المعارفی است و هر مطلبی که به هر زبانی در هر جای دنیا درباره تنگستان بوده، در آن جمع‌آوری و منتشر شده است.

به منابع خارجی چگونه دسترسی پیدا کردید؟

من دوستان خوبی در دانشگاه‌های مختلف دنیا دارم که لطف می‌کنند اسناد را از زبان پرتغالی، لاتین و

تنگستان چه جور جایی است؟

تنگستان، یکی از نقاط جالب ایران است که دست کم پنج قرن سابقه مبارزات ضد استعماری دارد. اگر ۱۵۰۷ میلادی آلبوکرک، هرمز را می‌گیرد، دقیقاً هفت سال بعد از آن یعنی ۱۵۱۴ میلادی، برادرزاده‌اش الفونسو آلبوکرک را می‌فرستد و او بوشهر را اشغال می‌کند و نخستین درگیری‌های نظامی هم از همان زمان آغاز می‌شود. در طول این پنج قرن، همواره بازوی نظامی بوشهر، تنگستانی‌ها بوده‌اند. در چالش‌ها و درگیری‌ها و منازعاتی که با قوای بیگانه وجود داشت، یک پای آن تنگستانی‌ها بودند و تنگستانی‌ها حرف اول را در مبارزه مسلحانه می‌زدند.

تنگستان حاشیه‌ای بسیار باریک بین کوه و دریاست؛ با جمعیتی بسیار اندک و طبیعت و تاریخی آمیخته با ظلم و ستم بسیار وحشتناک. مردمانی بسیار شجاع و دلیر و سلاح ورز دارد که جنگ و جدال و خونریزی جزو لاینفک زندگی آنان است.

سلاح‌ورز یعنی چه؟

اصطلاحی است که من از فارسنامه ابن بلخی اخذ کردم. به مردمان این منطقه عنوان شرور و سلاح‌ورز داده‌اند، اما من شرور آن را به دلیل حرمت به مردم امروزی تنگستان عنوان نکردم.

از تنگستان می‌گفتید!

من هشت جلد کتاب درباره تنگستان منتشر کرده‌ام. اولین آنها کتاب «پیشگامان مبارزه با بریتانیا در جنوب ایران» بود که سال ۱۳۷۳ چاپ شد. بعد از آن کتابچه‌ای درباره «احمدخان تنگستانی» چاپ کردم. احمد بیش از شصت سال قبل از رئیس‌علی می‌زیست. بعد از آن چندین کتاب و جزوه و رساله درباره رئیس‌علی دلواری منتشر کردم. دو کتاب آخری که نام بردم، جمع‌بندی کارهای قبلی من است که یک دوره پنج جلدی است و هر جلد آن حدود هفتصد صفحه حجم دارد. از این مجموعه، سه جلد نوشته شده که دو جلد

رئیس‌علی دلواری دارای عقبه است. جنوب ایران، پنج قرن سابقه مبارزات ضد استعماری دارد و هر گاه که استعمارگری، از برتغالیایی گرفته تا هلندی، فرانسوی، انگلیسی و حتی آمریکایی، به منطقه جنوب حمله کرده مردم جنوب و تنگستان به مبارزه برخاستند. سلسله این مبارزان به هم پیوسته است و یکی از حلق این سلسله، رئیس‌علی دلواری و دوستان دیگر او هستند.

اسپانیایی ترجمه می‌کنند و برای من می‌فرستند؛ کاری که در ایران تقریباً ناشناخته تلقی می‌شود. وضعیت منابع آن‌ها در رابطه با تنگستان چگونه است؟

بیشتر از ما دارند. علاوه بر حضور استعماری - به تعبیر مارکس و وبر - ذهن منظم و بیریک هم دارند. خرد ابزار بودند و آرشیوهای منظمی داشتند - برعکس ما



حامیان مشروطه می دانست، با یک فروند کشتی به نام «فرکس» و صد و پنجاه نفر سرباز وارد بوشهر می شود و پس از کودتا آن جا را اشغال می کند و رئیس علی دلواری را از شهر اخراج و آیت الله اهرمی را به عراق تبعید می کنند. این جاسست که شخصیت ضد استعماری و ضد انگلیسی رئیس علی دلواری برای انگلیسی مشخص می شود. رئیس علی در طول انقلاب مشروطه تا شروع جنگ جهانی اول، مبارزات سختی با انگلیسی ها داشته است که در یکی از آن موارد، آنان دلوار را بمباران می کنند و پا به پای ماهیگیری دلوار را به آتش می کشند.

آیا جغرافیا یا موقعیت خود دلوار هم در این ماجرا تأثیر داشته؟ دلوار چگونه جایی است؟

دلوار در جغرافیای امروزی، مرکز بخش ساحلی تنگستان است. تنگستان یک منطقه ساحلی است. بخش مرکزی آن که از دریا جدا است اهرم نام دارد و بخش ساحلی آن دلوار است. دلوار با راه های جدیدی که کشیدند، حدود سی کیلومتر با بوشهر فاصله دارد. امروزه هم شهر شده است. به طور کلی روستای جدیدی است که نهایتاً از زمان ناصرالدین شاه قاجار به وجود آمده و من شرح ماجرای چگونگی به وجود آمدن و حتی اسطوره و افسانه هایی را که در باب به وجود آمدن آن وجود دارد، در کتاب «رئیس علی دلواری» به تفصیل توضیح داده ام.

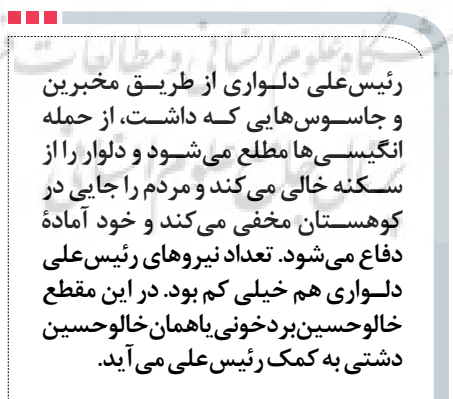
درباره رئیسی می گفتید؛ چرا انگلیسیها دلوار را بمباران میکنند!

بله! به هر ترتیب درگیری ها و منازعات ادامه می یابد تا جنگ جهانی آغاز می شود. با آغاز جنگ جهانی اول رئیس علی دلواری با سفارت آلمان رابطه برقرار می کند. سفیر یا کنسول آلمان در بوشهر، آقای بود به نام «لیسمان» که انگلیسیها او را دستگیر و تبعید می کنند. این امر به درگیری آنها با رئیس علی دلواری میانجامد. رئیس علی در یکی از شبیخون هایی که به نیروهای انگلیسی می زند، دو نفر از افسران عالی رتبه آنها را می کشد. همین بهانه ای دست انگلیسی ها می دهد که در بیست و ششم رمضان ۱۳۳۳ قمری برابر با سوم



می کنند و نه تنها آنان را به رسمیت می شناسد، بلکه پای میز مصالحه نشینند. البته این مسأله مربوط به بعد از شهادت رئیس علی است. زندگی سیاسی رئیس علی نیز، زندگی بسیار جالبی است. ایشان سال ۱۲۹۹ قمری به دنیا می آید و سال ۱۳۳۳ قمری در سن سی سالگی به شهادت می رسد. برای اولین بار در ماجرای انقلاب مشروطیت است که حضور سیاسی او مشاهده می شود. زندگی او به لحاظ جامعه شناسی هم جالب است چون نه خان بود، نه رئیس و نه کدخدای.

رئیسعلی به تعبیر یکی از نویسندگان سوئدی به نام «گوستاو نلیتردم»، نهنگی بود که در جوی کوچکی افتاده بود. واقعا رئیس علی بسیار بزرگتر از فضای



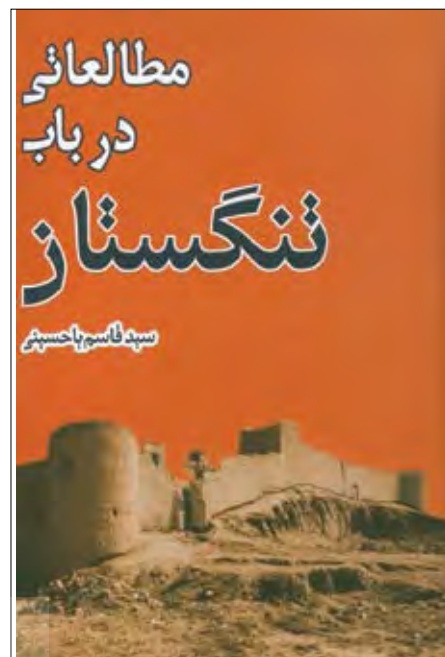
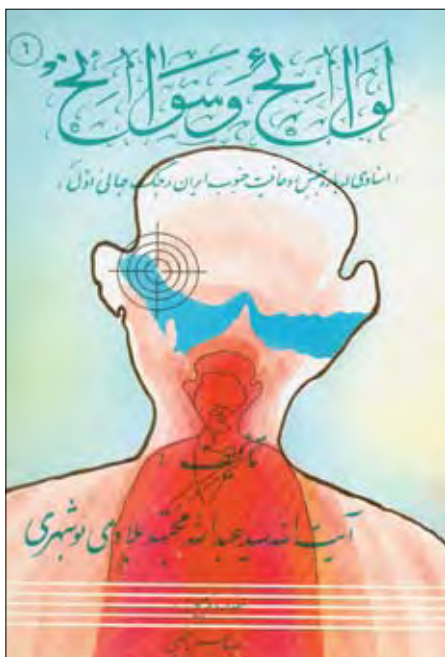
زمانه خود بود و در آن فضا نمی گنجید. او همراه با آیت الله مرتضی علم الهدی اهرمی بوشهر را فتح می کند. درست در زمان اوج انقلاب مشروطه در ایران که استبداد صغیر حاکم شده، محمدعلی شاه مجلس را به توپ بسته و مردم تبریز برای احیای مشروطیت در حال جنگیدن هستند، بوشهر تنها جایی است که پرچم مشروطیت در آن به اهتزاز در می آید و مشروطه طلبان به مدت دو ماه بر آن حاکم می شوند. کار چنان بالا می گیرد که انگلستان که خود را یکی از



در این حصار جادویی روزگار بشکن / سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی / تو خود آفتاب خود باش طلسم کار بشکن ... من بر این باور هستم که منابع دولتی هیچ کاری نخواهند کرد و نمی کنند. ما خودمان کار خودمان را انجام می دهیم. تصمیم گرفتم تاریخ تنگستان را روشن کنم. روزی که شروع کردم در برهوت اطلاعات و دانش بودم و با وجود این الان خوشحال هستم که در ترافیک از دانش قرار گرفتم و به تنهایی هفت هشت جلد کتاب درباره تنگستان نوشتم. چیزی حدود سی و شش جلد کتاب منتشر نشده در بین کارهای من وجود دارد که برای حروفچینی رفته است. تنها دغدغه ای که دارم این است که ناشری پیدا شود که زیر بار چاپ این کتابها برود.

رئیس علی را چگونه انسانی یافتید؟

رئیس علی دلواری دارای عقیده است. جنوب ایران، پنج قرن سابقه مبارزات ضد استعماری دارد و هر گاه که استعمارگری، از پرتغالیایی گرفته تا هلندی، فرانسوی، انگلیسی و حتی آمریکایی، به منطقه جنوب حمله کرده مردم جنوب و تنگستان به مبارزه برخاستند. سلسله این مبارزان به هم پیوسته است و یکی از حلقه این سلسله، رئیس علی دلواری و دوستان دیگر او هستند. شیخ حسین خان چاه کوتاهی، زائر خضرخان اهرمی، خالوحسین بردخونی معرف به خالوحسین دشتی، غضنفرالسلطنه برازجانی، آیت الله سید عبدالله مجتهد بلادی، آیت الله برازجانی و دیگر بزرگان در جنگ جهانی اول، مبارزه سختی را با انگلیسیها شروع کردند. انگلیسیها به مدت چند سال با همین مقاومتها مواجه شدند و نتوانستند از طریق بوشهر به شیراز برسند. آنها برای سرکوب قیام انقلابیون مجبور شدند از طریق محور کرمان شیراز را فتح کنند. می بینید؟ چند تفنگچی ساده تهی دست و بعضاً مورد غضب دولت وقت که آنها را یاغی، متجاسر و اشرار می نامد، در مقابل بزرگترین امپراطوری می ایستند و آن را به زانو درمی آورند به طوری که بعد از یک سال جنگ، انگلیسها با آنان رسماً قرار صلح امضا



بردخونی به اسارت انگلیس‌ها درمی‌آید و بعد از آن قسوی تنگستانی‌ها مضمحل می‌شود و جنگ برای مدت نسبتاً طولانی خاموش می‌شود. بعد هم - به دلایل مختلف - تنگستانی‌ها تن به صلح می‌دهند. روز اول محرم ۱۳۳۴ در شیراز، ژاندارمری علیه انگلستان کودتا می‌کند و نه تن از انگلیسی‌ها را از جمله «سرفدریک اوکانر» کنسول انگلستان اسیر کرده و به تنگستان می‌فرستند و در قلعه... اهرمی به مدت نه ماه زندانی می‌کنند. خاطرات فدریک اوکانر را چند سال پیش پیدا کردم و به آقای حسن زنگنه دادم که ایشان به فارسی ترجمه کرد و انتشارات شیرازه آن را منتشر کرد. او خاطرات خود را از ایران به ویژه در فصلی به نام «اسارت در تنگستان» توضیح می‌دهد. این‌ها نه نفر را که در این مدت یکی از آن‌ها فوت می‌کند و به هشت نفر می‌رسند، با خالوحسین و دوازده نفر از مبارزان بوشهری که انگلیسی‌ها در روز اشغال بوشهر دستگیر کرده و به تانۀ هند فرستاده بودند، مبادله می‌کنند و در این‌جا فصل اول مبارزات ضداستعماری مردم تنگستان به پایان می‌رسد.

رئیس علی چگونه شخصیتی داشت؟

رئیس علی یک شخصیت صددرصد مذهبی است. نامه‌ای داده است به آیت الله برازجانی که در آثار خود از این نامه به عنوان مانیفست رئیس علی یاد کرده‌ام. متأسفانه دست خط رئیس علی موجود نیست و لسی خود متن نامه در کتاب آقای آدمیت آمده و در مجلاتی هم که در شیراز منتشر می‌شده، جمع شده است. در آن‌جا رئیس علی دلسواری، خیلی جالب و بسیار زیرکانه با الگو قرار دادن واقعه کربلا سعی در رسم یک امتداد تاریخی از کربلا تا دلسوار دارد و صراحتاً می‌گوید که امروز یک کربلای دیگری اتفاق افتاده است و در آن سر سپاه شمر است و در این طرف حبیب بن مظاهر و امام حسین (ع) و دیگران، و هر که در این معرکه شرکت نکند، یزیدی است.

این دکتر شریعتی نیست که با شما حرف می‌زند، بلکه رئیس علی دلسواری است. خیلی زیبا فلسفه شهادت و قیام حسینی و امتداد این دو را در تاریخ ترسیم

شدند و انگلیس با شکست مفتضحانه، ده‌ها نفر از افسران نظامی و دیگر نیروهای خود را از دست داد. انگلیسی‌ها تا مدت‌ها از این اتفاق مبهوت بودند. به فاصله کمی بعد از این قضیه در ۲۶ شوال ۱۳۳۳ قمری، رئیس علی دلواری در یک شیخون توسط یکی از هم‌زم‌های خودش مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد. متأسفانه اکثر رهبران جنوب، به دست خودی‌ها کشته شدند.

به چه دلیل؟

به دلیل بافت قبیله‌ای و عشیره‌ای منطقه و خصومت‌های خانمان‌سوزی که میان آن‌ها وجود دارد. نکته دیگری که باید عرض کنم این‌که مرحوم رئیس علی دلواری یکی از پایه‌گذاران جنگ‌های چریکی و جنگ‌های

**انگلیسی‌ها در اثر یک اشتباه
مخابراتی نیروهای خودشان را زیر
آتش می‌گیرند و آرایش نظامی
نیروهاشان به هم می‌ریزد. رئیس علی
دلسواری هم با زیرکی نظامی از این
هرج و مرج استفاده می‌کند و به
نیروهای مهاجم شکست سختی
وارد می‌کند.**

غیرمتقارن در ایران است. شیوه جنگ‌های او، شیوه ضربه زدن به قوای دشمن و عقب‌نشینی به پایگاه‌های اصلی است. این شیوه را رئیس علی دلواری در ایران راه انداخت و بعدها در نهضت جنگل مورد استفاده قرار گرفت. به همین دلیل رئیس علی دلواری را از نگاه تاریخی می‌توان یکی از پیشتازان جنگ‌های غیرمتقارن دانست. با شهادت رئیس علی، نهضت به اوج خود می‌رسد و در منطقه‌ای به نام کوه کزنی، جنگ سختی در می‌گیرد که لطمات بسیار زیادی به تنگستانی‌ها وارد می‌شود. در آن جنگ خالوحسین

اوت ۱۹۱۵ میلادی، به بوشهر حمله کرده و این شهر را اشغال کنند و بعد به فاصله چند روز، چهار ناو جنگی دلوار را بمباران می‌کنند. البته با توپ‌های دور زن این کار را می‌کنند و بعد از آن نیرو پیاده می‌کنند. تعداد این افراد براساس اسناد و مدارک حدود ۱۲۰۰ نفر بوده است. رئیس علی دلواری از طریق مخبرین و جاسوس‌هایی که داشت، از حمله انگلیسی‌ها مطلع می‌شود و دلوار را از سکنه خالی می‌کند و مردم را جایی در کوهستان مخفی می‌کند و خود آماده دفاع می‌شود. تعداد نیروهای رئیس علی دلواری هم خیلی کم بود. در این مقطع خالوحسین بردخونی یا همان خالوحسین دشتی به کمک رئیس علی می‌آید. نکته جالب این‌که انگلیسی‌ها در اثر یک اشتباه مخابراتی نیروهای خودشان را زیر آتش می‌گیرند و آرایش نظامی نیروهاشان به هم می‌ریزد. رئیس علی دلواری هم با زیرکی نظامی از این هرج و مرج استفاده می‌کند و به نیروهای مهاجم شکست سختی وارد می‌کند.

رئیس علی از کدام ناحیه پشتیبانی نظامی میشد؟

منطقه تنگستان، منطقه‌ای است که مردم آن در طول تاریخ سلاح ورز بودند. به واسطه آشنایی‌ای که از کودکی با تفنگ داشتند، تیراندازی را خوب بلد بودند. خود رئیس علی دلواری از طریق بحرین و فرانسوی‌ها، اسلحه و فشنگ قاچاق می‌کرد. بنابراین منطقه، منطقه‌ای مسلح و مملو از تفنگ و فشنگ و سلاح بود. رئیس‌علی با همین سلاح‌ها به جنگ با انگلیسی‌ها برمی‌خیزد و شکست سختی از سوی دلوار به آن‌ها تحمیل می‌کند.

نکته تاریخی در این میان این است که از جنگ‌های ایران و روسیه و قرارداد ترکمنچای و گلستان، ایران در هر جنگی که شرکت کرد شکست خورد. تنها استثناء در این مورد جنگ دلوار بود که نیروهای ایرانی در جنگ با انگلیسی‌ها، شکست سختی بر آنان وارد می‌کنند. یعنی در مدت تقریبی صد و پنجاه سال از جنگ‌های ایران و روس تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران در هر جنگی که شرکت کرد شکست خورد، به جز جنگ دلوار که مردم، قهرمانانه پیروز

می‌کند. متأسفانه این نامه مورد غفلت مورخان ما قرار گرفته است و حتی جا دارد که در کتاب‌های درسی به عنوان یک مانیفست ارزشی برای مبارزات ضد استعماری مردم ایران بازخوانی شود. شاید یکی از کارهای من بازخوانی این نامه در یک رساله کوچک باشد. نکته دوم جسارت و زیرکی فوق العاده این مرد است. این مرد در سن سی و سه و چهار سالگی کشته می‌شود ولی چنان اثرگذار است که در تاریخ ما کمتر هم‌تا دارد. نکته عجیب اینکه انسان‌های بزرگ تأثیرگذار، غالباً در همین سن و سال به شهادت رسیده‌اند. این نکته بسیار عجیب و جالب شاید بتواند یک بایسته پژوهی باشد، چه در بعد روشن‌فکری و چه در بعد مذهبی و... نکته بعدی، مردمی بودن و عدالت‌ورزی رئیس‌علی دلواری است که انصافاً نکته جالبی است. به لحاظ شخصی هم باید عرض کنم که رئیس‌علی چهار بار ازدواج کرد، چون بچه دار نمی‌شد و سرانجام هم فقط یک فرزند از او باقی ماند به نام بهادر که در دهه پنجاه فوت کرد. نوه او به نام گل اندام خانم شهیدی اکنون در قید حیات است. این خانواده، بعدها نام خانوادگی شهیدی را برای خود انتخاب کردند.

برگردیم به بحث قبل. پس از شهادت رئیس‌علی کار نهضت به کجا می‌کشد؟

وقتی رئیس‌علی دلواری به شهادت می‌رسد، آیت الله برازجانی نامه‌ای به علمای شیراز می‌نویسد تا برای این مرد لقب انتخاب کنند. سه لقب برای او صادر می‌شود؛ امیر اسلام، به فرزند رئیس‌علی هم بهادر السلطان می‌گویند، و دو لقب شیخ حسین خان و... نهضت در این‌جا در اوج خود قرار دارد. انگلیسی‌ها یک سال بعد از قرارداد صلح کلک می‌زنند و به چغادک در جایی به نام بست چغادک حمله می‌کنند. چغادک یک واژه ایلامی است. نهضت در چغادک متحمل شکستی سنگین می‌شود و من این واقعه را نقطه پایان مرحله دوم مبارزات ضد استعماری می‌دانم. در آن‌جا برای اولین بار در کنار زایر خضرخان و شیخ حسین خان، غضنفر السلطنه برازجانی هم شرکت می‌کند که برادرش در آن جنگ زخمی شده و بعد هم به شهادت می‌رسد.

خالو حسین خان چه میشود؟

ایشان بعد از آزادی به خانه و کاشانه خود می‌رود و مبارزات را کنار می‌گذارد و به امور خان و خان بازی خود می‌پردازد.

باقی افراد نهضت چه میکنند؟

بعد از آن در آن‌جا ما شاهد جنگ و گریزهای متفاوت هستیم که نقطه اوج جنگ لرده است. این جنگ از اتفاقات جالبی است که در اواخر جنگ جهانی اول حادث می‌شود. کوهی در برازجان هست به نام گیسکان، و در آن‌جا منطقه‌ای وجود دارد به نام لرده. در لرده بین شش تا نه زن یک تیپ انگلیسی را تار و مار می‌کنند، که شرح آن در کتابی به نام «عملیات در ایران» نوشته جیمز مابری آمد. این کتاب را آقای کاوه بیات ترجمه کرده و در سال ۱۳۶۹ توسط انتشارات رسا انتشار داده است. هر چند که شرح این عملیات در آن کتاب آمده ولی به زنان اشاره‌ای نشده است. من جدیداً کتابی منتشر کرده‌ام به نام «از جنگ لرده تا حماسه سیمین» و در فصل اول، آن جنگ قهرمانانه

زنان را آورده‌ام که در واقع یک قرائت فمینیستی از تاریخ محل آن منطقه است. این کتاب چنان با اقبال رو به رو شد که در کمتر از یک هفته دو بار چاپ شده و به خاطر این‌که اسناد و مدارک جدیدی از انگلستان به دستم رسید، چاپ سوم آن را متوقف کردم. در آن منطقه این زن‌ها از غضنفر السلطنه حمایت می‌کنند و با جنگ قهرمانانه خودشان انگلیسی‌ها را تار و مار می‌کنند و فرصتی برای غضنفر السلطنه دست می‌دهد که از آن منطقه بگریزد و به شیراز برود و به حکمران شیراز که مصدق السلطنه بود پناه ببرد.

باز برگردیم سراغ رئیس‌علی. او چه شخصیتی داشت؟ از وجوه مختلف شخصیت رئیس‌علی صحبت می‌کردید.

صراحت لهجه ایشان انصافاً مثال زدنی است. نامه‌ای به یکی از علمای درازی می‌نویسد و او را مورد عتاب قرار می‌دهد که شما یک عمر از دین خوردید، حال که دین در خطر است همه‌تان عافیت طلب شده‌اید. این‌گونه جسارت‌ها، فقط از یک روحیه عاصی، ساختارشکن (به تعبیر امروزی‌ها) و غیرمتعارف انتظار می‌رود، نه از کسانی که سر در آخور روزمرگی دارند. در حول و حوش زندگی رئیس‌علی، افسانه هم زیاد پرداخته‌اند که به مردم‌شناسی مربوط می‌شود و در حیطه تاریخ نیست. این مطالبی است که من خیلی فشرده و مختصر توانستم عرض کنم.

رئیس‌علی چقدر سواد داشت؟

سواد آن‌چنانی نداشت. اگر شما نامه‌ای را که به آیت الله برازجانی نوشته ملاحظه کنید، در آن غلط‌های املائی و انشایی متعدد می‌بینید. حتی نمی‌دانسته است که شعر «خوش بود گر محک تجربه آید به میان» از حافظ است و این شعر را آورده و نوشته به قول صلحا. با این همه، به تعبیر آدمیت اگر چه سواد نداشت ولی سوادان‌های بزرگ باید در مکتب او درس انسانیت و شجاعت بیاموزند.

در این نود و چهار سالی که از شهادت رئیس‌علی می‌گذرد، چه کارهایی در رابطه با شناخت او صورت گرفته است؟

مهمترین کار را مرحوم محمدحسین رکن زاده آدمیت کرده است. آدمیت در سال‌های ۱۰-۱۳۰۹ در روزنامه‌ها سلسله مقالاتی تحت عنوان دلبران تنگستانی نوشت که بعد در سال ۱۳۱۰ به صورت کتاب منتشر شد. مجلد دومی هم از این کتاب در سال ۱۳۱۲ در دو جلد به نام فارسی و جنگ بین الملل منتشر کرد که تقریباً چندین دهه تنها مرجع در این زمینه بود. بعد از آن تا دهه پنجاه با یک دوران

فترت عجیب و غریبی در مطالعات تاریخی رو به رو هستیم و بعد از آن یک مورخ محلی اهل برازجان به نام علی مراد فراش‌بندی که چندین کتاب نوشته است. من درباره شخصیت ایشان و مبارزات و آثار ایشان کتابی نوشته‌ام به نام «گریز از سیاست، پناه به تاریخ» که شرح خدمات وی است. فراش‌بندی در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ چند کتاب به نام‌های «خانان تنگستانی»، «مبارزه مسلحانه مردم تنگستان، دشتستان و دشتی علیه استعمار»، «جنوب ایران در مبارزات ضد استعمار»، «جنگ ایران و انگلیس» و «جنوب ایران» نوشته است که در آن‌ها برای اولین بار از طریق تاریخ شفاهی و منابع مکتوب، قهرمانی‌ها و مبارزات رئیس‌علی دلواری را در قالبی انشاه‌پردازانه و اغراق‌آمیز و ژورنالیستی به تصویر کشید. بعد از آن دیگر هیچ اتفاقی رخ نداد تا سال ۱۳۷۳ که من و جمعی از دوستان بوشهری‌مان، برای هشتادمین سالگرد شهادت رئیس‌علی دلواری یک سمینار بزرگ سه روزه برگزار کردیم که تقریباً تمام مورخان مطرح امروز ایران در آن حضور داشتند. متأسفانه سی تا سی و پنج نفر از آن بزرگواران امروز به رحمت ایزدی رفته‌اند. من طراح کنگره و عضو هیأت علمی و سردبیر سه ویژه نامه روزانه بودم. نکته شگفت آور این‌که در سه روز کنگره حتی یک مقاله درباره رئیس‌علی دلواری ارائه نشد.

پس چه چیزی ارائه شد؟

درباره جنگ ایران و انگلیس و حضور استعماری انگلیسی و...

• چرا؟

برای این‌که هیچ اطلاعاتی وجود نداشت. تنها کتابی که وجود داشت کتاب آقای فراش‌بندی و کتاب آقای آدمیت بود. یک مجموعه مقاله زیر نظر مرحوم محمدحسین نبوی اولین رئیس مرکز بوشهرشناسی درآمد که جلد دوم آن در دهه هفتاد منتشر شد. من از سال ۱۳۷۳ به شکل تخصصی شروع به چاپ کتاب درباره رئیس‌علی دلواری کردم. البته ناگفته نماند که سال ۱۳۷۰ اولین مونوگرافی حاجی نژاد منتشر شد که خود من ناشر آن بودم و مؤسسه نشر، شروه نام داشت.

ایشان براساس کتاب آدمیت و رئیس‌علی دلواری و یک مقدار هم تحقیقات شفاهی یک کار نسبتاً قابل قبولی برای آن زمان انجام داد.

ایشان در قید حیات هستند؟

بله، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش هستند. بعد از آن، من از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۶ به شکل تخصصی شروع به مطالعه درباره رئیس‌علی دلواری کردم که حاصل آن کتاب رئیس‌علی دلواری بود که در سال ۱۳۷۶ توسط انتشارات شیرازه منتشر شد. این کتاب مبنای مطالعه خارجی‌ها و داخلی‌ها شد و مکرراً از آن استفاده کرده‌اند و با این همه این کتاب هرگز تجدید چاپ نشد. نسخه‌های چاپی آن حکم نسخه خطی دارد. در این کتاب - بنا به ملاحظاتی - باید تجدید نظر اساسی بشود که در حال انجام آن هستم. بعد از آن دوستان دیگر در قالب رمان، نمایشنامه و فیلمنامه درباره رئیس‌علی دلواری آثاری نوشتند که داور میزبان اصالت و نوآوری و حرکت‌های مطالعاتی آن به عهده اهل فن است. آخرین اتفاقی که

رئیس‌علی یک شخصیت صددرصد مذهبی است. نامه‌ای داده است به آیت الله برازجانی که در آثار خود از این نامه به عنوان مانیفست رئیس‌علی یاد کرده‌ام. متأسفانه دست خط رئیس‌علی موجود نیست ولی خود متن نامه در کتاب آقای آدمیت آمده و در مجلاتی هم که در شیراز منتشر می‌شده، جمع شده است.

یا ۱۳ شماره بود؛ این سلسله مقاله در واقع مکمل سریال بود.»

دیگر اینکه پرسیدم سهم شیخ عبدالرسول چاه‌کوتاهی - پس حسین خان چاه‌کوتاهی - در این سریال تا چه اندازه بود، ایشان پاسخ داد: «سریال که تمام شد و نمایش داده شد، آقای شهناز اصرار داشت که گفت وگویی با شیخ عبدالرسول چاه‌کوتاهی، که یکی از معدود بازماندگان قیام بود و مستقیماً در جنگ‌ها شرکت کرده بود، داشته باشد. هدف نیز این بود که می‌خواست بداند فیلم تا چه اندازه با واقعیت تطابق دارد. شیخ انتقاداتی بر فیلم داشت. مثلاً در فیلم، فردی که در نقش حسین خان چاه‌کوتاهی بازی می‌کرد، مردی با قامت متوسط بود، حال آن‌که شیخ عبدالرسول می‌گفت که پدرش مردی بلندقامت بوده است. همچنین یادم است که گفت قسمت اول فیلم یعنی جنگ‌های رئیس‌علی تا جنگ چغادک، مطابق با واقعیت است، اما قسمت دوم آن زیاد درست و واقعی نیست.»

آخرین سئوالم این بود که در سریال «دلبران تنگستان» سهم غضنفرالسلطنه که به هر حال سال‌ها علیه انگلستان مبارزه کرد، ادا نشده است. برخی از منتقدان، این غفلت را ناشی از اعمال نظر شما می‌دانند. نظر خودتان در این باره چیست؟ آقای آتشی پاسخ داد: «من در ساخت کلی سریال هیچ دخالتی نداشتم که بخواهم چیز خاصی را حذف یا اضافه کنم. حقیقت این است که در کتاب «دلبران تنگستانی» از اقدامات غضنفرالسلطنه چندان نامی برده نشده است و من هم در آن زمان اطلاعات تاریخی دقیقی از غضنفرالسلطنه و نقش او در این قیام نداشتم. یعنی حتی نمی‌دانستم که بعد از جنگ چغادک، چه اتفاقاتی در برزجان افتاده است. بعدها، یعنی در سال‌های اخیر، من این اطلاعات را پیدا کردم. اما آن موقع که سریال در حال تدوین بود و من می‌توانستم گفتاری در آغاز بنویسم یا پیشنهادهایی بدهم، اطلاع نداشتم. از اصل موضوع آگاه نبودم. اما این‌که من سهمی در حذف غضنفرالسلطنه داشته باشم، این حرف بسیار کودکانه و ساده‌اندیشانه است. کارگردان سریال زنده است و می‌تواند شهادت بدهد.»



یک سریال دیگری تولید کردند با نام روزهای به یادماندنی که البته هرگز آن نقش رئیس‌علی دلواری را نداشت و در واقع تکرار همان سریال بود. به من تا به حال چنین پیشنهادی نشده و کار من من خیلی که همت کنم، فقط تولید دانش است.

تولید یک سریال مستلزم دو سال درگیری با کار تصویر است و بنده هرگز فرصت چنین کاری را ندارم. البته من آمادگی خودم را برای مشاوره در زمینه کار برای رئیس‌علی اعلام می‌کنم اما ظاهراً مؤلفین و کارگردان‌ها از وجود افرادی مانند ما بی‌نیاز هستند.

سؤال دیگر درباره سریال دلبران تنگستان است. آن را می‌دیدید؟

من در زمان کودکی این سریال را می‌دیدم و هنوز هم صحنه‌های تکان‌دهنده آن را به یاد دارم. صبح که به مدرسه میرفتم، می‌دیدم که معلم ما برافروخته و احساساتی شده و سرشار از ایرانیت برای ما سخنرانی می‌کند. بعد از انقلاب هم چندین بار آن را دیدم. به نظرم یکی از ماندگارترین‌های تاریخ سریال‌سازی در ایران است و به تعبیر مدرن‌ها گفتمانی در ایران ایجاد کرد که هرگز هم تکرار نشده و حتی آقای شهناز در کار اخیر خود، روزهای به یادماندنی، خواست که خودش را تکرار کند اما تکراری بسیار ابتر بود. آن حال و هوا که در آن سریال بود دیگر تکرار نشد و نخواهد شد.

گفت وگویی شما با مرحوم منوچهر آتشی را در یکی دو جا دیده‌ایم. در این گفت‌وگو چه صحبت‌هایی بین شما ردوبدل شد؟

بله، ایشان می‌گفت: «موقعی که آقای همایون شهناز کارگردان سریال تلویزیونی «دلبران تنگستان» کارش را شروع کرد، من در تهران بودم و اطلاع چندانی از این موضوع نداشتم و حتی زیاد او را نمی‌شناختم. شهناز به بوشهر رفته بود و محیط را از نزدیک دیده و سپس براساس رمان «دلبران تنگستان» نوشته مرحوم محمدحسین رکن زاده آدمیت، فیلم‌نامه‌ای به صورت سریال نوشته بود. در این مرحله از کار بود که من با او آشنا شدم. یعنی شهناز که در بوشهر با نام من آشنا شده بود، در بازگشت به تهران، به سراغ من آمد.

در تهران، او فیلم‌نامه را به من داد تا مورد مطالعه و احیاناً بازبینی قرار بدهم. قرار شد فیلم‌نامه را بخوانم و ببینم چه مشکلات و نارسایی‌هایی دارد. فیلم‌نامه را که خواندم، اشکالات فراوانی در آن دیدم. یک مقدار مسائل غبرواقعی در فیلم‌نامه وجود داشت که البته در کتاب مرحوم رکن زاده آدمیت آمده بود. اغراق زیادی در آن بود که من همه را مقداری اصلاح و ویرایش کردم. بسیاری از قسمت‌های فیلم‌نامه را اصلاح یا بازنویسی کردم که مورد قبول کارگردان نیز قرار گرفت. البته مواردی که فیلم‌برداری شده بود قابل تغییر نبود، پس فقط در دیالوگ‌ها دست بردم. همگی گفتارهای متن فیلم را نیز من نوشتم. یعنی در آغاز هر قسمت از سریال، گفتاری بود که بسیار روشنگر بود و همگی آن‌ها را من نوشته بودم.»

نکته دیگر درباره سلسله مقالاتی بود که از زنده یاد آتشی در زمان پخش سریال در مجله تماشا چاپ شد و ایشان در این باره گفت: «بله، در تبیین برخی مسائل اجتماعی و محلی که منجر به قیام جنوب و دلبران تنگستانی بود، من مطالبی نوشتم که حدود ۱۲



در باب رئیس‌علی افتاد کنگره‌ای بود که اوایل امسال (۱۳۸۸) در بوشهر برگزار شد. بیشتر کنگره‌ای اداری و تبلیغی - ترویجی بود. به لحاظ تولید دانش و ارائه مقالات متفن، متأسفانه کمیت آن لنگ بود و چیزی دندان‌گیری ارائه نداد و تقریباً می‌توانم بگویم میراث همان سال ۱۳۷۶ بعضی‌ها را به غارت برده بودند.

یکی دو نسل اخیر رئیس‌علی را از طریق دیدن سریال دلبران تنگستان می‌شناسند و این سریال، تنها سریالی است که هم قبل از انقلاب پخش شد و هم بعد از انقلاب. نظرتان درباره این سریال چیست؟

رئیس‌علی دلواری بعد از شهادتش، متأسفانه به یک شخصیت محلی تنزل پیدا کرد و در دهه پنجاه به

به نظرم یکی از ماندگارترین‌های تاریخ سریال‌سازی در ایران است و به تعبیر مدرن‌ها گفتمانی در ایران ایجاد کرد که هرگز هم تکرار نشده و حتی آقای شهناز در کار اخیر خود، روزهای به یادماندنی، خواست که خودش را تکرار کند اما تکراری بسیار ابتر بود. آن حال و هوا که در آن سریال بود دیگر تکرار نشد و نخواهد شد.

دنبال اختلافاتی که بین ایران و انگلستان رخ داد آقای همایون شهناز با همکاری شادروان منوچهر آتشی این سریال را ساخت. این سریال بدون شک مهمترین و تأثیرگذارترین نقش را در باز معرفی رئیس‌علی دلواری به نسل دهه پنجاه و قبل از انقلاب ایران داشت. همه مردم رئیس‌علی دلواری را از رهگذر این سریال با چهره زیبا و ملیح شادروان محمود جوهری می‌شناسند که اندکی بعد از ساخت آن فیلم در تصادف کشته شد.

نقش منوچهر آتشی در این سریال چه بود؟

مشاور آقای همایون شهناز بود؛ هم در دیالوگ نویسی و هم در انتخاب موسیقی و هم در کارهای فنی دیگر.

آیا به شما پیشنهادی نشده است که برای ساخت فیلم یا سریال جدیدی از رئیس‌علی دلواری یا دلبران تنگستان، با آنان همکاری کنید؟

آقای همایون شهناز و سیما فیلم بعد از انقلاب